

آینه

وخت امروز

لزم گذار فکری دولت

● **محمد نجف آبادی**؛ واقعیت امر این است که دولت باید دست به نوعی «انتحار تئوریک» در مبانی فکری خود بزند تا بتواند پس از پنج سال، مبانی و مؤلفه‌های ذهنی خود را با واقعیات جاری نظام بین‌الملل وفق دهد. در این معادله، پدیده‌هایی مانند «وعده و وعده‌های دموکرات‌های آمریکا» و «برجام اروپایی» به‌مثابه «عوامل بازدارنده» عمل کرده و مانع از تبلور ایده‌های خلاقانه و صحیح از سوی دولت می‌شود. متأسفانه این‌گونه احساس می‌شود که دولت محترم، نیازی مهم به نام «تغییر گفتمان» را به «تغییر تاکتیک» تقلیل داده و حتی تاکتیک‌های خود را نیز منوط به حضور اشخاصی معین [پخوانید دموکرات‌ها] در کاخ سفید کرده است؛ همان دموکرات‌هایی که یک سال و نیم از دوران توافق برجام در زمان صدارت‌شان بود و کمتر از جمهوری خواهان، عهدشکن نبودند! بدیهی است عاقبت این نوع نگاه، چیزی جز صرف هزینه‌های هنگفت در حوزه سیاست خارجی و حتی داخلی کشور نخواهد بود.

انتقاد

ظاهرا «انتخابات ۹۶» هنوز تمام نشده

● **سیدعلی میرفاح**: آب به آسیاب دشمن ریختن، شاخ و دم که ندارد. مگر آنجا که از توطیانه شبکه‌های ماهواره‌ای به سمت ایران شلیک می‌کنند در پی چه چیزی هستند؟ اصل حرفشان این است که بیچاره شما مردم که به روحانی و ظریف و زنگنه اعتماد کرده‌اید. این کار که زنگنه را رویک کرد، پینی و بین‌الله شایسته ستایش ملی بود؛ اما متأسفانه در فضای رقابتی نه‌تنها کسی او را نستود؛ بلکه بدش را هم گفتند و تفتیش هم کردند که بگذریم. خداوکلی دولت، دنده پهنی دارد که با این عتاب‌ها و خطاب‌ها یا پس نمی‌کشد. این‌گونه که منتقدان بد دولت را می‌گویند و تیغ بر سر تا پایش می‌کشند، من به خاطر ندارم با دولت دیگری چنین معامله‌ای شده باشد...

سرنوشت

آینده سیاسی ایران در اختیار «میان‌روها» است

● **غلامرضا مصباحی مقدم**؛ در شرایط کنونی تنها دو جریان سیاسی در کشور وجود دارد و جریان سومی وجود ندارد که اگر مردم از دو جریان ناامید شدند به سمت جریان دیگر گرایش پیدا خواهند کرد. در جریان اصولگرا طیف‌های مختلفی وجود دارد و ممکن است سخن شما درباره برخی از طیف‌های جریان اصولگرایی صحیح باشد و مردم تمایلی به حمایت از آنها نداشته باشند. با این وجود در جریان اصولگرایی طیف‌های مؤثر و معقولی وجود دارد که مردم از آنها عبور نخواهند کرد. بافت گسترده جامعه ایران از متدینین تشکیل شده است. اغلب این بافت گسترده نیز به سمت جریان اصولگرایی گرایش دارند. در نتیجه کلید موفقیت اصولگرایان در انتخابات مجلس ریاست جمهوری آینده حمایت از میانه‌روهای جریان اصولگرایی خواهد بود. در انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی اکثریت مجلس در اختیار اصولگرایان قرار خواهد داشت.

ایران

نفع مردم ایران

● **مهدی پازوئی**؛ باید تمام تلاش خود را انجام دهیم تا با کشورهای اروپایی وفادار به برجام تعاملات خود را بیشتر کنیم، نفت خود را در بازارهای این کشورها بفروشیم و نیازهای وارداتی را از طریق سیستم مالی که با اتحادیه اروپا تعریف خواهد شد، تأمین کنیم. ما نه دوست دائمی در سیاست خارجی داریم و نه دشمن دائمی. آنچه دائمی است منافع ملی ما است. باید از فرصت به‌دست‌آمده در جهت منافع ملی استفاده کنیم نه حرکت به سمت خودتخریبی. نفی FATF و CFT و برجام یعنی گام در جهت خودتخریبی. کاری که به هیچ عنوان به نفع کشور ما نخواهد بود. اما با وجود همه هشدارها اقتصاد ایران به شدت از جهالت اقتصادی رنج می‌برد و مخالفان دولت به جای اینکه به منافع ملی بیندیشند و سیاست تعامل با کشورها را توسعه‌یافته را در دستور کار قرار دهند، سعی می‌کنند دولت را سرگرم دعواهای ساختگی خود سازند غافل از اینکه هزینه این کار چه خواهد بود و آسیب‌های آن متوجه چه کسانی خواهد شد.

کیم‌جان

پیامدهای خطرناک ادبیات مغرب‌وارداتی

● **سعدالله زارعی**؛ اینکه اروپا با ادبیات امنیتی از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ما سخن بگوید طبیعی است چراکه می‌خواسته با زیر فشار شدید قراردادن برنامه غیرامنیتی ما، آن را برچیند که برچید و اکنون هم از این ادبیات امنیتی حرف می‌زند تا بگوید مشکل امنیتی اروپا با برچیده‌شدن برنامه هسته‌ای ایران کاهش یافته؛ ولی حل نشده است. کمااینکه شاهد فشار شدید کشورهای فرانسه، انگلیس و آلمان روی مسائل منطقه‌ای و نظامی ایران هستیم. اینها اصلا عجیب و غیرمنتظره نیستند. آنچه عجیب و غیرمنتظره و تأسف‌برانگیز است، ادبیات آقایان روحانی، ظریف و عراقچی و مرتبطین آنهاست که با همان ادبیات اروپا حرف می‌زنند و درواقع می‌پذیرند که برنامه هسته‌ای ما غیراصلح میز بوده است؛ کمااینکه در موضوعات دیگر نظیر مبارزه با تروریسم و پول‌شویی نیز از ادبیات آنان پیروی شد.

politics@sharghdaily.ir

به بهانه اکران فیلم «آن زمستان» درباره آیت‌الله مصباح‌یزدی و انتخابات مجلس خبرگان

پرتره آیت‌الله بر پرده سینما



بخشی از فیلم به فضای داخل مؤسسه پژوهشی امام خمینی و دیدارهای آیت‌الله مصباح‌یزدی با چهره‌های خارجی اختصاص دارد. از قاسم سلیمانی تا یک فیلسوف غربی مسلمان شده که با آیت‌الله مباحثه فلسفی در باب اختیار و حقوق بشر دارد تا دیدار با جمعی از کاردینال‌های سیاهپوست واتیکان. یکی از اخیر کمتر تن به گفت‌وگوی رسانه‌ای داده است. بیشتر چیزهایی که از او می‌دانیم، همان‌هایی است که از خلال سخنرانی‌هایش گاه و بی‌گاه منتشر می‌شود. در واقع بعد از دوران احمدی‌نژاد، رئیس مؤسسه امام خمینی هم گوشه‌گیرتر شده است. از این منظر، فیلم شاید کمکی به شناخت بیشتر او کند.

فیلم با تصاویری از اتاق جراحی بیمارستان بقیه‌الله شروع می‌شود؛ درحالی‌که رئیس مؤسسه امام خمینی زیر تیغ عمل جراحی چشم است. آیت‌الله مصباح با چشمی پانسمان‌شده به بخش منتقل می‌شود و درحالی‌که با گوشی موبایل صحبت می‌کند، دوربین روی چهره او متمرکز می‌شود. موضوع گفت‌وگو درباره انتخابات است. مخاطب هم مشخص است؛ یکی از اصولگرایان درگیر تهیه فهرست.

نمای بعدی منزل است. درحالی‌که آیت‌الله مصباح‌یزدی در ابتدا درحال بررسی یک جعبه پر از شیشه‌نم‌طور می‌شود که انگار شیشه داروست اما آن‌طور که خودش توضیح می‌دهد، شیشه عطر است؛ «پدرم مدتی بافندگی و عطر فروشی می‌کرد. همیشه عطر زیاد دوست داشتم. من هم گاهی این عطرها قدیمی را با قاتی می‌کنم تا معتدل شود. گاهی خوب می‌شود گاهی هم نه».

اختراع کردم، چون کاتب جلسه من بودم و هیچ‌کسی جز خودم نمی‌توانست آن را بخواند. چهره‌های اصولگرایی مانند «آقایهرانی»، دبیرکل جبهه مؤتلفه، نزدیک‌ترین حزب به آیت‌الله مصباح یزدی در نماهای زیادی از فیلم حضور دارند. صادق محصولی، کوچک‌زاده، نبویان، محمد سلیمانی، روح‌الله حسینیان و دیگر اعضای جبهه پایداری هم با او دیدارهایی دارند که در فیلم آمده است. در بخشی از فیلم، آقایهرانی که زمانی نماینده آیت‌الله مصباح یزدی در نیویورک بود، به دیدار او می‌آید تا درباره انتخابات صحبت کنند. آقایهرانی می‌گوید: «جلسات خوبی بود جز جلسات اخیر که به سهم‌خواهی کشیده شد... یعنی غش می‌کند به سمتی که نباید... لیست جوری است که رأی نمی‌آورد. کف خیابان به آن رأی نمی‌دهند. البته همیشه هم فکر نمی‌کردیم بشود».

پاسخ آیت‌الله مصباح به آقایهرانی این است که برود حرم و دو رکعت نماز بخواند. با این حال، در فیلم آقایهرانی توضیح بیشتری درباره اینکه کدام جریان دنبال سهم‌خواهی است، نمی‌دهد. شاید هم توضیح داده و در تدوین نهایی حذف شده است. آقایهرانی در حالی در این فیلم از سهم‌خواهی گرایشمند است که ارقضا در همان زمان انتخابات یکی از جریان‌هایی که متهم به سهم‌خواهی بود، خود همین جریان جبهه پایداری بود. حدادعادل رسماً در یکی از نشست‌های خبری گفته بود که اگر سهم ندهیم ائتلاف را به هم می‌زنند.

در جایی از فیلم، جبهه پایداری با آیت‌الله مصباح‌یزدی دیدار دارد. آقا تهرانی می‌گوید که کار انتخابات سخت شده است. کوچک‌زاده هم سؤال

می‌کند که وقتی دست ما به خدا نمی‌رسد برای اینکه بدانیم کارمان خدایی است آیا می‌توانیم کاری کنیم که آقا را راضی کنیم؟ مصباح‌یزدی بعد از کمی مکث می‌گوید: «از کجا می‌خواهید بفهمید که آقا راضی هستند؟ ایشان نه می‌توانند همه‌چیز را بگویند و نه گاهی مصلحت است که همه‌چیز را بگویند. این‌طور نباشد که استیابا خود را که گاهی با نفس همراه است، به ایشان نسبت دهید...».

دوربین روی چهره کوچک‌زاده ثابت می‌شود. یکی از میان جمعیت می‌گوید: «قانع نشد. حتی لاریجانی هم نمی‌تواند او را قانع کند».

در جایی دیگر از فیلم، سردربیر هفته‌نامه «پرتو سخن» متعلق به مؤسسه امام خمینی، به دیدار مصباح می‌رود. شش روز به انتخابات مانده، آقای سردبیر درباره مضرات نظام ریاستی در مقابل فواید نظام پارلمانی با آیت‌الله مصباح صحبت می‌کند. می‌گوید که گاهی دیده شده فردی به پشتوانه رأی مردم می‌آید و می‌گوید که تعویذهایی مهم نیست که به حرف رهبری هم توجه نکردم. مصباح در پاسخ می‌گوید: «اینکه درست نیست... این سنت خداست که می‌خواهد ما را امتحان کند. پارلمانی هم باشد جور دیگری امتحان می‌کند». مصباح می‌گوید اتفاقاً در شکل پارلمانی راحت‌تر می‌شود افراد و احزاب را خرید.

دو روز مانده به انتخابات انکار خود مصباح‌یزدی می‌داند که ممکن است رأی نیاورد. در جمعی صحبت و به تکلیف سختی که بر دوش انتخاب‌شونده قرار دارد، اشاره می‌کند.

بعد از پایان انتخابات و مشخص شدن رأی‌نیاوردن آیت‌الله مصباح‌یزدی (که در فیلم مستقیم به آن پرداخته نمی‌شود)، کارگردان از شروع فصلی جدید در زندگی آیت‌الله مصباح‌یزدی می‌گوید. در نمایی، فردی که نزد آیت‌الله مصباح آمده است از غیرمنتظره‌بودن این اتفاق می‌گوید و پاسخی که می‌شنود چیزی است با این مضمون که کار را باید به صاحب کار سپرد.

فیلم «آن زمستان» تقریباً فیلمی مردانه است؛ همسر آیت‌الله مصباح فقط یک نیم‌چهره، آن‌هم از زاویه دور در بیمارستان، نشان داده می‌شود و بعد هرچه هست فقط صدای اوست. در نمایی دیگر هم فقط دوربین از پشت سر جمعی از زنان که به دیدار آیت‌الله آمده‌اند، رد می‌شود. تنها زنی که در فیلم کامل نشان داده می‌شود نه نوجوان آیت‌الله مصباح یزدی است، وقتی در پیراک کنار پدر و پدربزرگ دیدزی می‌خورد و آیت‌الله مصباح‌یزدی از خاطرات کودکی پرسش برای نوه‌اش تعریف می‌کند.

امیر محبیان در گفت‌وگو با «شرق» تأکید کرد کلید حل مشکلات در دست هیچ جناحی نیست

کلید دست اصلاح‌طلبان هم نیست



حاکمیت دیدگاهی می‌دانند که با ارزش‌های انقلاب اسلامی در تعارض است. این افراد همین نقدها را بر هاشمی و خاتمی هم داشتند. شاید آنها نمی‌دانند دقیقاً چه می‌خواهند ولی ظاهراً می‌دانند چه نمی‌خواهند.

گروهی به دولت نقدهای مدیریتی دارند؛ این افراد در این باورند که ضعف‌های مدیریتی که متأسفانه ساختاری و بحران‌زا شده، در حال آزمایش‌بردن فرصت‌های کشور است. دولت هم کند و ضعیف و بی‌تصمیم و بدتصمیم است بنابراین بخشی از مشکلات که به دلیل شرایط ویژه کشور وجود دارد، به دلیل این ضعف‌های دولت تشدید شده است. من گروه نخست را پرسروصداترین ولی بی‌اهمیت‌ترین مخالفان می‌دانم و گروه آخر را مهم‌ترین ولی کم‌جنگ‌الترین منتقدان می‌دانم. جنگ‌ال‌های پوچ گروه نخست مانع شنیده‌شدن انتقادهای منتقدان مدیریتی شده است.

● **در میان برخی کاندیداهای احتمالی برای دور بعد ریاست‌جمهوری شما چه پیش‌بینی‌هایی دارید؟ فکر می‌کنید احتمال چرخش اصلاح‌طلبان به برخی طیف‌ها از جمله اصولگرایان چه اندازه محتمل باشد؟ برخی صحبت از حمایت اصلاح‌طلبان از آقای لاریجانی را عنوان کرده‌اند.**

صحبت در این مورد زود است. عوامل مؤثری هستند که تا پایان دولت خود را ممکن است نمایان کنند؛ شرایط آن زمان چهره‌های محتمل را آشکار می‌کند. فعلاً بحث آقای لاریجانی را افرادی مطرح می‌کنند که می‌خواهند الفا کنند او با اصلاح‌طلبان یا دولت برای کسب حمایت آنها زدوبند کرده است تا به این وسیله او را تخریب کنند. من احتمال کاندیداتوری او را منتفی نمی‌دانم اما آنها که این روزها این مسئله را تبلیغ می‌کنند، بیشتر قصد دارند همراهی‌های او با دولت را فرصت‌طلبانه و قدرت‌طلبانه نشان دهند. درحالی‌که به گمان من لاریجانی را واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی کشور به حمایت نسبی از دولت کشانده است.

● **در میان اصولگرایان چه؟ فکر می‌کنید کدام شخص در نبود چهره‌های شاخص اصولگرایی از میزان مقبولیت بیشتری در میان اصولگرایان برای معرفی کاندیدا وجود دارد؟**

جریانات سیاسی شناخته‌شده کشور همه به دلایلی روشن تضعیف شده‌اند. کلید حل مشکلات کشور درحال حاضر نه در دست اصولگرایان است نه در دست اصلاح‌طلبان. کلید حل مشکل در دست مدیران حرفه‌ای دلسوزی است که نگاه کلان برای پیشبرد جامعه دارند. منظورم اصلاً آن دسته از مدیران دولتی که سال‌ها بر مناصب تکیه زده‌اند، نیست. این مدیران لایق اتفاقاً در بخش خصوصی حضور دارند که قدرت آن را دارند براساس توانایی‌هایشان ارزش افزوده ایجاد کنند نه مدیرانی که اگر از بدست دولتی کنار گذاشته شوند قادر به تأمین زندگی روزمره خود بدون رانت سیاسی نیستند. فقط باید

سیاست

خبر

حجت‌الاسلام ابراهیمی:

وضعیت فعلی مثل زمان شاه سلطان حسین شده است

● **ابنا**؛ حسین ابراهیمی، عضو جامعه روحانیت مبارز، گفت: ناظران در تلویزیون صحبت می‌کنند و می‌گویند دایره نظارت بنده این مقدار است و نمی‌توانم چنین و چنان بکنم. اگر قانون نداریم، قانون تصویب کنند. الان مثل زمان شاه سلطان حسین شده است. شاه سلطان حسین خوش‌بین بود. این خوش‌بینی را باید کم کنیم و به وضعیت فعلی بدبین باشیم و برای مردم کار کنیم و بر بازار نظارت کنیم. مردم معیشت خیلی برایشان مهم است. مردم قدرت خرید ندارند. ابراهیمی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه سرانجام جمع تشخیص مصلحت نظام بدون حضور آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در جلسات این مجمع به کجا ختم خواهد شد، اظهار کرد: این در دست مقام معظم رهبری است. مصلحت آن در دست ایشان است. طبعاً اگر ایشان ببینند فشلی به وجود آمده، سامان می‌دهند. تابه‌حال کراهی که زیر نظر مقام معظم رهبری بوده، هم‌هاش با خوشی و خوبی ساماندهی شده است. او ادامه داد: یک نمونه آن نیروهای مسلح است که مقام معظم رهبری کاری کرده‌اند که اقتدار جمهوری اسلامی ایران ساماندهی شده است. نباید فراموش کنیم که زیرمجموعه‌های مقام معظم رهبری وضعیت خوبی دارند و اگر همه این‌گونه بر زیرمجموعه‌های خود نظارت داشته باشند، کشور سامان پیدا خواهد کرد. ابراهیمی با طرح این پرسش که مگر ما چقدر بودجه داریم؟ گفت: همین الان در بودجه مشکل داریم. بودجه جاری ما شده ۹۰ درصد، در نتیجه با ۱۰ درصد باقی‌مانده چه چیز را افزایش بدهیم؟ از کجا بیاوریم؟ از بانک مرکزی استقراض کنیم؟ اینکه تورم را بالا می‌برد، به نفع مردم نیست. من معتقدم اگر کسی دید ملی داشته باشد، این سخنان دیگر مطرح نیست. دنبال این باشد که ببیند منافع ملت در کجاست.

ادامه از صفحه اول

اعتراض در ایران، اعتراض در فرانسه

کم نبودند کسانی که در ایران، بحران وال‌استریت را پایان نظام اقتصادی آمریکا یا ورشکستگی مالی یونان را در حقیقت ورشکستگی و پایان اتحادیه اروپا دست‌کم از نظر مالی تلقی می‌کردند. اما هم آمریکا توانست بحران وال‌استریت را پشت سر بگذارد و هم اتحادیه اروپا سرانجام به سلامتی از بحران ورشکستگی یونان و مسائل مالی سایر اعضا عبور کرد. به بیان ساده‌تر، نه سیستم اقتصاد آزاد خود را کامل و بی‌عیب و نقص می‌پندارد و نه به طریق اولی، مسئولان و سیاست‌گذاران آن خود را عقل کل تصور می‌کنند. بنابراین هر بار که آن سیستم در کشوری یا در مجموعه کشورهای دچار بحران یا به تعبیر ما ناکارآمدی می‌شود، مسئولان و سیاست‌مداران آن ناگزیر می‌شوند عقل‌های خود را روی هم بپزنند و درصدد رفع بحران برآیند؛ کاری که دقیقاً امانوئل مکرون و همکارانش سخت در تلاش برای تحقق آن هستند تا فرانسه نیز بتواند از بحران فعلی عبور کند. از آنجا که نظام سرمایه‌داری خود را کامل نمی‌داند و معتقد است بروز بحران، عارضه درون‌زای آن سیستم است، بنابراین جایی برای اعتراض وجود دارد؛ صداپلته مشروط بر آنکه معترضان سروقت خفونوت نروند. اما در ایران چنین نگاهی نه در قبال سامانه کلان مدیریتی کشور وجود دارد و نه به طریق اولی، بسیاری مسئولان احتمال می‌دهند ممکن است سیاست‌ها، دیدگاه‌ها یا تصمیمات آنها ناقص و دچار کاستی‌هایی بوده باشد. برخی مدیران دستگاه‌های کشور، سیاست‌ها و تصمیمات خود را معمولاً بی‌عیب و نقص تصور می‌کنند. کاستی‌ها هم که بروز می‌کند معمولاً آنها را به کارگزاران قبلی یا فعلی در بخش‌هایی غیر از دستگاه خود حواله می‌دهند. چنین است که وقتی مشکلات اقتصادی و مدیریتی بروز می‌کند، معمولاً مسئولان آن دستگاه به‌جای آنکه در جهت رفع عیب و بذیرش اینکه ممکن است سیاست‌ها و تصمیمات غلط بوده باشد برآیند، معمولاً از خود سلب مسئولیت کرده و همان‌طور که گفته شد، مشکل به دیگران و آثار فشارهای ظالمانه خارجی نسبت داده می‌شود.

به بیان ساده‌تر، اینکه ممکن است تصمیمات و سیاست‌های داخلی اشتباه بوده باشد، در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته ازجمله در غرب، امری جالافتاده است بنابراین وقتی فرانسوی‌ها دچار مشکل می‌شوند، در ابتدا سعی می‌کنند مشکل را مهار کرده و سپس بعد از رفع بحران و آرام‌شدن شرایط، سربوخت، ریشه‌های اصلی آن و تدبیر برون‌داد، متأسفانه در ایران همین که اعتراضات فروکش می‌کنند، مسئولان ناخودآگاه آن را فراموش کرده و کمابیش همان رویکردها را تعقیب می‌کنند. شاید به این دلیل است که بحران‌هایی که در نظام سرمایه‌داری ظهور می‌کنند، دچار برخورد سیاسی نشده، بلکه برخوردی را از نوع چه باید کرد تجربه می‌کنند. در ایران اما به دلایلی که بالا اشاره شد، تصور اشتباه در سیاست‌ها پیش نمی‌آید. بنابراین برخلاف جوامع غربی، مسائل حاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ایران می‌آیند و می‌روند بدون آنکه در بیشتر موارد تغییر معناداری در روش‌ها برای جلوگیری از تکرار آنها دیده شود.